



Social Semiotics of Kermanshahi Jalili's Ashura Book Ser al Asrar from the Point of View of Pir Girou

Mohammad Ibrahim Maalmir¹, Sahar Yousefi²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: dr_maalmir@razi.ac.ir
2. Ph.D., Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: sahar.yousefi69@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 11 Sep 2022

Received in revised form:
30 Dec 2022

Accepted: 03 Jan 2023

Available online: 23 Sep
2023

Keywords:

social semiotics,
death,
Sir al-Asrar,
Jalili Kermanshahi,
Pierre Girou.

ABSTRACT

The approach of social semiotics is one of the prominent sub-branches in the science of semiotics, which reveals the meanings hidden in them by explaining the signs. This approach is based on the three domains of identity codes, signs of social etiquette and the nature of social signs. Since the obituary is a historical and realistic narrative, it has a lot of capacity to examine semiotics, especially with a social approach. The purpose of this research is to introduce an original and little-known Muqtali, in which valuable information can be obtained from the context of the Umayyad society by analyzing codes and social signs. This article tries to identify the semiotics of one of the original murders in the west of Iran in a descriptive-analytical way, and for this purpose, it has used the social semiotics approach of Pierre Girou. This book is called *Siral-Asrar Fi Misibeh Abi al-Imam al-Athar (AS)* from the famous Ashura historiography and the work of Ayatollah Jalili Kermanshahi. The findings show that the author revealed the political, economic, social and cultural issues of the Umayyad period and the Ashura event using social symbols and codes, and at the same time expressed her views and ideologies. These signs depict the beliefs, ignorance of the people of the society, poverty of thought, rule of terror, hypocrisy and hypocrisy, violence and oppression, corruption of rulers and governors, etc. in the Umayyad society.

Cite this article: Maalmir, M. I., & Yousofi, S. (2023). Social semiotics of Kermanshahi Jalili's Ashura book Ser al Asrar from the point of view of Pir Girou. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 11 (3), 111-137.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2022.8199.1657



نشانه‌شناسی اجتماعی مقتلِ سرالأسرار جلیلی کرمانشاهی از منظر پی‌یر گیرو

محمدابراهیم مالمیر^۱، سحر یوسفی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: dr_maalmir@razi.ac.ir

۲. دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: sahar.yosefi69@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۰ شهریور ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۹ دی ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳ دی ۱۴۰۱

دسترسی برخط: ۱ مهر ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

نشانه‌شناسی اجتماعی،

مقتل،

سرالأسرار،

جلیلی کرمانشاهی،

پی‌یر گیرو.

رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی از زیرشاخه‌های برجسته در علم نشانه‌شناسی است که با تبیین نشانه‌ها، معانی نهفته در آن‌ها را آشکار می‌کند. این رویکرد بر سه حوزه رمزگان‌های هویت، نشانه‌های آداب معاشرت و سرشت نشانه‌های اجتماعی تکیه دارد. از آنجاکه مقتل نگاری روایتی تاریخی و واقع‌گرایانه است، برای بررسی نشانه‌شناسی به‌ویژه با رویکرد اجتماعی ظرفیت زیادی دارد. هدف از این پژوهش معرفی مقتلی اصیل و کمترشناخته‌شده است که می‌توان در آن با تحلیل رمزگان‌ها و نشانه‌های اجتماعی اطلاعات ارزشمندی را از بافت جامعه عصر اموی دریافت. این نوشتار می‌کوشد به شیوه توصیفی-تحلیلی یکی از مقتل‌های اصیل در غرب ایران را نشانه‌شناسی کند و برای این منظور از رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو بهره برده است. این مقتل با نام سرالأسرار مصیبه ابی‌الأنمہ الأظهار (ع) از مقتل‌های برجسته تاریخ مقتل نگاری و اثر آیت‌الله جلیلی کرمانشاهی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که نویسنده، مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عصر اموی و واقعه عاشورا را با استفاده از نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی نمایان ساخته، درعین‌حال، دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌های خود را بیان داشته است. این نشانه‌ها، باورها، ناآگاهی‌های مردم جامعه، فقر اندیشه، حاکمیت رعب و وحشت، دورویی و نفاق، بیداد و ستم، فساد حاکمان و والیان و... را در جامعه اموی ترسیم می‌کنند.

استناد: مالمیر، محمدابراهیم؛ یوسفی، سحر (۱۴۰۲). نشانه‌شناسی اجتماعی مقتلِ سرالأسرار جلیلی کرمانشاهی از منظر پی‌یر گیرو.

مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۱ (۳)، ۱۱۱-۱۳۷.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2022.8221.1659

۱- مقدمه

رویکردهای نشانه‌شناسی^۱ در مطالعات پژوهشی اخیر جایگاه ویژه‌ای دارند. نشانه‌شناسی اجتماعی^۲ نیز از زیرمجموعه‌های نظریه نشانه‌شناسی است که بر هویت، اجتماع، فرهنگ و آداب معاشرت تکیه دارد. نشانه‌شناسی اجتماعی آثار می‌تواند موقعیت‌های اجتماعی، شاخص‌های عقیدتی و نمودهای فرهنگی را در بافت یک اثر نمایان سازد. اهمیت این رویکرد زمانی بیش‌ازپیش نمایان می‌شود که شاخص‌های آن، در متنی واقع‌گرا^۳ اعمال شود؛ زیرا داده‌های استخراج‌شده منطبق بر واقعیت اجتماع هستند. نشانه‌های اجتماعی در مقتل‌های تاریخی نیز نشانه‌دهنده روحیات و احوال افراد یک جامعه و منعکس‌کننده موقعیت‌ها و شرایط‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه است.

نشانه‌شناسی اجتماعی از رویکردهای مقبول و مطرح در علم نشانه‌شناسی است و پژوهش‌های مختلفی با این رویکرد انجام شده است؛ برای مثال، نظری طرهان و صابری (۱۳۹۶) در پژوهش خویش تصاویر کتاب اول دبستان را براساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی بررسی کرده و نقش الگوهای مسلط فرهنگ ملی را به مخاطبان نشان داده‌اند. نظری و دیگران (۱۳۹۸) نهج البلاغه را با تکیه بر دو مقوله هویت اجتماعی و آداب معاشرت نشانه‌شناسی کرده و شاخص‌های گوناگون آن را استخراج کرده‌اند. نقابی و اکبری (۱۳۹۹) با استفاده از نشانه‌شناسی پی‌یر گیرو^۴ سفرنامه حاج سیاح را بررسی کرده تا زوایای پنهانی هویت، فرهنگ و آداب و رسوم سرزمین‌های سیاحت‌شده روشن شود و به تقابل‌های فرهنگی میان ایران و اروپا پرداخته شود. زوارقی و دیگران (۱۴۰۰) در نوشتاری عملکرد تصویرسازی کتاب‌های کودک را براساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی تحلیل کرده‌اند.

در این نوشتار، کتاب‌های مذهبی مصور برای کودکان با موضوع شخصیت‌های مذهبی از نظر عناصر ترکیب‌بندی، زاویه دید، بُعد، شکل، رنگ و بافت ارزیابی شده‌اند. جوادی و دیگران (۱۴۰۰) در نوشتاری رمان الرّجُل الّذی آمنَ را برپایه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو بررسی کرده‌اند تا شناسه‌های هویت اسلامی را تبیین کنند. پژوهشگران دریافته‌اند که نویسنده با تمرکز بر نشانه‌های اجتماعی اسلامی برآن بوده تا تمایزهای بین شرق و غرب را نشان دهد و واقعیت‌های فرهنگی و اقتصادی آن‌ها را بازتاب دهد. اکبری‌زاده (۱۴۰۱) سازوکارهای زبانی و نشانه‌ای هویت را در اشعار فرخی سیستانی با

1. semiotics
2. social semiotics
3. Realist
4. P. Giroud

رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی بررسی کرده و دلالت‌های اجتماعی نشانه‌های زبانی این قصاید را از دست‌رفتن استقلال و خویش‌تن شاعر و... دانسته است.

با وجود تنوع موضوعاتی که با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی بررسی شده‌اند، بررسی روایت‌های تاریخی نظیر مقتل‌ها مورد غفلت قرار گرفته‌اند. مقتل، نوشته‌ای گزارش‌گونه در چگونگی قتل شخص یا گروهی است و در فرهنگ شیعه، به گزارش شهادت امام حسین (ع) مقتل اطلاق شده است. سرالأسرار مصیبه‌أبی‌الأئمة الأطهار (ع) روایتی تاریخی در شمار مقتل‌های عاشورایی است که شامل مقدمه و ذکر مقتل در ده باب است. این ده باب، خروج امام حسین (ع) از مدینه تا وصول اهل‌بیت به مدینه را شرح می‌دهد. سرالأسرار، از آثار ارزشمند و اصیل غرب ایران در زمینه مقتل‌نگاری است. از این اثر در میان نسخه‌های خطی کتابخانه ملی نسخه‌ای با شماره کتاب‌شناسی ملی «۲۵۲۱۱۴۹» و چاپ‌سنگی موجود است. نگارندگان این مقاله از نسخه در دست چاپ مؤسسه شیفتگان کمال استفاده کرده‌اند که در آن مقتل مذکور تصحیح شده است. مؤلف سرالأسرار، آیت‌الله حاج شیخ عبدالرحیم جلیلی کرمانشاهی کرکوتی از بزرگان و عالمان کرمانشاهی در دوره ناصری است و از وی کتاب‌های ارزشمندی به‌جای مانده است. این اثر به دلیل مرگ مؤلف ناتمام می‌ماند و فرزندش شیخ محمدهادی جلیلی کرمانشاهی که از علمای عصر خود بود، این کتاب را با سبک و سیاق پدر به پایان می‌رساند (سبحانی، ۱۴۲۴: ۸۲۵).

در این نوشتار تلاش می‌شود مقتل سرالأسرار را که مقتلی اصیل و کمترشناخته‌شده در غرب ایران است، معرفی و از منظر شاخص‌های نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو بررسی شود. پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر کوششی برای پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. چه نشانه‌ها و رمزگانی در مقتل سرالأسرار ظهور یافته‌اند؟
۲. بسامد این نشانه‌ها و رمزگان چگونه است و چگونه واقعیت‌های اجتماعی را بازتاب می‌دهند؟

۲- روش پژوهش

موضوع نشانه‌شناسی به‌ویژه نشانه‌شناسی اجتماعی تاکنون با محوریت مقتل‌های تاریخی بررسی نشده است. از آنجاکه مقتل‌نگاری یکی از شاخه‌های تاریخ‌نگاری است و بر واقع‌گرایی بنا شده، برای بررسی نشانه‌شناختی به‌خصوص نشانه‌شناسی اجتماعی ظرفیت خوبی دارد. در این نوشتار، به شیوه توصیفی-تحلیلی نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی از مقتل سرالأسرار استخراج شده است تا با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی تبیین شوند. مراحل کار به این شرح است: مطالعه مقتل تاریخی سرالأسرار، استخراج نشانه‌های اجتماعی از مقتل مذکور براساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی و بسامدگیری

نمونه‌ها، و تحلیل و تبیین داده‌های به‌دست‌آمده از مقتل بررسی شده.

۳- نشانه‌شناسی اجتماعی

نشانه‌شناسی از رویکردهای برجسته در تحلیل متون است که نشانه‌ها و معانی نهفته در آن‌ها را مطالعه می‌کند (پیرس^۱، ۱۳۸۱: ۵۱). از عام‌ترین تعریف‌های نشانه‌شناسی این است که «نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود، سروکار دارد» (اکو^۲، ۱۳۸۷: ۷)؛ اما به شکل ویژه «نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا فرآیند دلالت شرکت دارند» (مکاریک^۳، ۱۳۹۰: ۳۲). در واقع، نشانه‌شناسی «علمی است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رمزگان، نام‌های علامتی و غیره می‌پردازد» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۳). نشانه‌ها، افکار را بیان می‌کنند (سوسور^۴، ۱۳۷۸: ۲۳) و «هر نشانه می‌تواند نمایانگر اوضاع سیاسی، فرهنگی، فکری و... هر بافت و جامعه‌ای باشد» (ایگلتون^۵، ۱۹۹۶: ۸۷). پژوهش حاضر از رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی برای بررسی مقتل مذکور بهره گرفته است.

نشانه‌شناسی اجتماعی، از شاخه‌های نشانه‌شناسی است که به معنای متن در بافت فرهنگی و اجتماعی توجه دارد. نشانه‌های اجتماعی از انسان‌ها، گروه‌ها و روابط میان آن‌ها سخن می‌گویند و «کنش انسان همواره در نشانه‌ها شکل می‌گیرد» (ریکور^۶، ۱۳۸۶: ۸۰). پی‌یر گیرو، زبان‌شناس فرانسوی (۱۹۸۳-۱۹۱۲) در اثر خود با نام نشانه‌شناسی^۷ کارکرد نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی را بررسی کرده است. وی در کتاب خود مباحث صورت و جوهر نشانه، رمزگان‌های منطقی، رمزگان‌های زیبایی‌شناختی و رمزگان‌های اجتماعی را مطرح ساخته و خواننده را با نگرش‌های گوناگون نشانه‌شناختی آشنا کرده است. گیرو (۱۳۹۲) نیز نشانه‌شناسی را علمی می‌داند که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای مانند زبان‌ها، رمزگان، نظام‌های علامتی و... می‌پردازد (۱۲-۱۳). نشانه‌های اجتماعی از منظر گیرو، در حوزه‌های «نشانه‌های هویت»^۸، «نشانه‌های آداب معاشرت»^۹ و «سرشت نشانه‌های اجتماعی»^{۱۰}

1. C. S. Peirce

2. U. Eco

3. I. Makarik

4. F. de Saussure

5. T. Eagleton

6. P. Ricoeur

7. 1971

8. signs of identity

9. etiquette signs

10. the nature of social signs

جای می‌گیرند و هریک شاخص‌های خود را دارند که در ادامه، مؤلفه‌های آن معرفی و در متن مقتل بررسی می‌شوند.

۴- تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که در بخش پیشین گفته شد، پی‌یر گیرو نشانه‌ها و رمزگان‌های اجتماعی را به سه دسته تقسیم کرده است: نشانه‌های هویت، نشانه‌های آداب معاشرت، و سرشت نشانه‌های اجتماعی. نشانه‌های اجتماعی «رمزگان‌هایی هستند که به شخص توانایی شناخت محیط و اطرافیان را می‌دهد» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۷۷)؛ از این رو، این نشانه‌ها در مقتل سرالأسرار نمایانگر واقعیت‌های جامعه، احوال و شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی‌ای است که در بافت اجتماعی آن روزگار حاکم بوده است. در ادامه، این نشانه‌ها که ۶۳۱۹ نمونه را به خود اختصاص داده‌اند، در مقتل مذکور، استخراج، دسته‌بندی و تحلیل می‌شوند.

۴-۱- نشانه‌های هویت

در اهمیت نشانه‌های هویت آمده است که «بتواند هویت اشخاص و گروه‌ها را بازشناسد» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۱۷). نشانه‌های هویت یکی از شاخص‌های نشانه‌های اجتماعی است که عبارت‌اند از: نام‌ها و القاب، گروه‌ها، مکان‌ها، نشانه‌های ظاهری، آرم‌ها، پرچم‌ها و توت‌ها^۱ (همان: ۱۱۷). در مقتل مذکور توت‌ها، آرم و مدال نمودی نمی‌یابد. در ادامه، سایر نشانه‌های هویت (۳۹۱۰ نمونه) بررسی می‌شوند.

۴-۱-۱- نام‌ها و القاب

نام و القاب از پرتکرارترین نموده‌های هویت است که در مقتل مذکور ظهور می‌یابد و «نام‌ها و القاب ساده‌ترین و عمومی‌ترین نشانه‌های هویت‌اند» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۱۸). نام و القاب (۱۶۸۷ نمونه) پرتکرارترین نشانه هویت در مقتل مذکور است. نام‌ها گاه به شکل اسم و اغلب به شکل اسم فرزند در کنار پدر است که فرهنگ رایج اعراب بوده و هست؛ نظیر «مروان بن الحکم» و حسین بن علی (جلیلی کرمانشاهی، بی تا: ۶۳). در کنار این گونه نام‌گذاری‌ها گاه اسم شخصیت‌ها به تنهایی می‌آید؛ مانند حسین و یزید (همان: ۵۳۲). در این میان، لقب‌هایی برای پاره‌ای از شخصیت‌های روایت ذکر می‌شود که عبارت‌اند از: موسی کلیم، حضرت رحمۃ للعالمین برای امام حسین (ع) و صدیقه کبری برای حضرت فاطمه (س) (همان: ۷۷)، ریحانه برای حضرت فاطمه (س) (همان: ۲۴۹)، شمر ذی الجوشن (همان: ۲۷۷)،

سیدالشهدا برای امام حسین (ع) (همان: ۲۷۸)، سیدالساجدین برای امام سجاد (ع) (همان: ۲۷۸)، (همان: ۳۸۷) و ام‌الاساری برای حضرت زینب (س) (همان: ۴۵۵). این القاب براساس کنش‌ها، صفات و ویژگی‌های این اشخاص به آن‌ها نسبت داده شده است.

نویسنده به وجه تسمیه چند نام و لقب پرداخته است که به آن‌ها اشاره می‌شود. سقا لقب حضرت عباس (ع) است؛ زیرا «از آن آب، امام (ع) و اصحاب و الامقامش آشامیدند و از این جهت بود که حضرت عباس را سقا نام نهادند» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۱۹۷). درباره احوال خطاب کردن نیز چنین آمده است: «قاعده عرب این است، مادر کسی اگر از طایفه‌ای باشد تمام آن طایفه را احوال می‌گویند» (همان: ۲۰۱). امام حسین (ع) نیز درباره وجه تسمیه حر می‌فرماید: «تو آزادی از آتش، چنانچه مادرت تو را حر نام نهاده» است (همان: ۲۴۹). به‌غیر از شخصیت‌های انسانی، دو نمونه اشیاء و حیوانات نیز صاحب نام هستند؛ شمشیر امام علی (ع) ذوالفقار نام دارد (همان: ۳۱۸) و نام اسب امام حسین (ع) مرتجز است (همان: ۲۲۷).

۴-۱-۲ گروه‌ها و طبقات

گروه‌ها دسته دیگری از نشانه‌های هویت هستند و این گروه می‌تواند گونه‌های متفاوتی داشته باشد؛ مانند: گروه اجتماعی (اشرافیت و غیره)، گروه سازمانی (ارتش و غیره)، گروه شغلی و گروه قومی (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۸). گروه‌ها که در پژوهش حاضر ۱۶۲۳ نمونه از آن‌ها یافت شد، در شش دسته جای می‌گیرند که به ترتیب بسامد عبارت‌اند از: «طبقات سپاهی»، «طبقات اجتماعی»، «مشاغل»، «قبیله و طایفه»، «قومیت‌ها» و «ادیان و مذاهب».

الف. طبقات سپاهی

شغل‌های سپاهی، دسته‌ای دیگر از مشاغل هستند که در مقتل مذکور نمود می‌یابند و با مقوله جنگ پیوند می‌خورند که به ترتیب عبارت‌اند از: سرکرده لشکر (گیرو، ۱۳۹۲: ۴۴۴)، سلاح‌دار و سوار (همان: ۳۸۳)، سپاهیان و عسکر و لشکریان (همان: ۳۸۴)، تیرانداز، سنگ‌انداز، علم‌دار و کمان‌دار (همان: ۲۲۷).

ب. طبقات اجتماعی

جامعه‌شناسان طبقات اجتماعی را به چند دسته طبقه بالا، طبقه متوسط بالا، طبقه متوسط پایین و طبقه پایین تقسیم کرده‌اند (کوئن، ۱۳۸۸: ۱۹۶). «جامعه اموی نیز به‌لحاظ طبقات اجتماعی به چهار طبقه تقسیم می‌شود: اشراف، آزادگان، موالی و بردگان» (سپهری، ۱۳۸۵: ۷۶). از میان این چهار گروه طبقه

موالی در مقتل مذکور نمودی نیافته است و با سه طبقه درمیان ملازمین و اشراف (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۱۰۷)، مردم عامه (همان: ۱۶۳) و غلامان و کنیزان (همان: ۴۶۲) روبه‌رو هستیم.

ج. مشاغل

مشاغل را (۲۹۷ نمونه) در مقتل مذکور می‌توان به چهار گروه شغلی تقسیم کرد: مشاغل درباری، مشاغل سپاهی، شغل‌های عامه و شغل‌های مذهبی. مشاغل درباری به ترتیب جایگاه اهمیتشان عبارت‌اند از: حاکم (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۴۷۵)، والی (همان: ۹۹)، داروغه (همان: ۴۴۹)، طبیب دربار (همان: ۴۸۴)، حاجب (همان: ۴۸۰)، نگهبان (همان: ۱۴۳)، دربان (همان: ۴۸۱) و پاسبان (همان: ۵۳۵). طبقات سپاهی را در مقتل مذکور می‌توان در دو گروه یعنی سپاه امام حسین (ع) و سپاه یزید گنجانند. در این بین، کسانی که در سپاه امام حسین (ع) هستند، عبارت‌اند از: مهاجرین و انصار، رؤسای صحابه و تابعین (همان: ۶۸)، اصحاب امام (همان: ۱۹۱) و خیل عظیمی از شیعیان که با ایشان بیعت می‌کنند (همان: ۹۰-۹۲)؛ اما در نهایت، تعداد بسیار معدودی در واقعه کربلا در شمار حسینیان باقی می‌مانند و بقیه پراکنده می‌شوند (همان: ۲۱۰). لشکر یزید به سرکردگی ابن زیاد، خیل عظیمی از سپاهیان درباری را دربرمی‌گیرد. شمار زیادی از مردم ابتدا با امام حسین (ع) بیعت می‌کنند. بعد با ایجاد رعب و وحشت از دور امام پراکنده می‌شوند یا به‌خاطر وعده‌های طمع‌کارانه به سپاه ابن زیاد می‌پیوندند (همان: ۹۸-۹۹). درباره شغل‌های عامه نیز درمیان شغل‌های متنوعی که در بین طبقات عامه وجود دارند، به چند شغل در مقتل مذکور اشاره می‌شود که عبارت‌اند از: منادی (همان: ۹۹)، صیادی (همان: ۲۱۷)، میوه‌فروشی و عطاری (همان: ۲۶۲)، گچ‌کاری (همان: ۲۸۶)، صرافی (همان: ۴۱۶)، ماهی‌فروشی (همان: ۵۲۹) و تجارت (همان: ۴۴۷). شغل‌های مذهبی هم دسته دیگری از مشاغل هستند که برخاسته از ادیان‌اند. این شغل‌ها با مکان‌های مذهبی‌ای نظیر مسجد و معبد پیوند دارند که عبارت‌اند از: امام، مؤذن و خطیب مسجد (همان: ۳۹۷)، جاثلیق (همان: ۲۹۰) و راهب (همان: ۴۴۰). در مقتل مذکور تنها شغلی که برای زنان ذکر شده، کنیزی است و زنان مُغنی که در دربارها به رقص و آواز می‌پرداختند (همان: ۴۸۴).

د. قبیله و طایفه

نزد اعراب، رکن اصلی را در طبقه‌بندی انتساب آن‌ها به قبیله و طایفه تشکیل می‌دهد. «از طایفه‌اش سؤال کردیم، گفت: آسَدیم. گفتیم: ما نیز از طایفه توایم» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۱۶۲). از این‌رو، در مقتل مذکور به طوایف مختلف و نقش آن‌ها در واقعه اشاره شده است؛ از جمله این طوایف و قبایل

می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قبیله بنی‌هاشم (همان: ۶۸)، آل سفیان (همان: ۷۱)، قبیله قریش (همان: ۸۲)، طایفه بنی‌عامر (همان: ۹۷)، بنی‌امیه (همان: ۹۵)، طایفه مضر (همان: ۱۲۲) و طوایف کِنْدَه، مَدْحِج و بَنیِ اَسَد (همان: ۱۰۷). در مجموع، نویسنده، طوایف و قبایل را در رویکردی تقابلی به دو طایفه تقسیم می‌کند: «طایفه‌ای در بهشت‌اند و طایفه‌ای در جهنم» (همان: ۱۵۵).

هـ قومیت‌ها

از دسته‌بندی‌های مرسوم در مقتل مذکور، قومیت اشخاص است. براین اساس، خیل عظیمی از شخصیت‌های روایت در قوم عرب جای می‌گیرند (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۳۲۰)، سایر اقوام نمودیافته در این مقتل عبارت‌اند از: قوم عاد و ثمود (همان: ۹۰)، قوم سبا (همان: ۱۵۵)، تُرک‌ها (همان: ۲۷۷)، ایرانی (همان: ۴۳۴) و ...

و. طبقات دینی و مذاهب

از دیگر طبقات و گروه‌ها در مقتل مذکور طبقات دینی هستند که عبارت‌اند از: مسلمان (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۴۶۱)، یهودی، نصاری و مجوس (همان: ۲۴۲). در این بین، باید در شاخه مذاهب به شیعیان اشاره کرد که عده زیادی از آنان را عامه مردم تشکیل می‌دهند (همان: ۹۰) و تنها تعدادی شیعه خالص هستند (همان: ۱۵۵). جدول زیر بسامد گروه‌ها و طبقات مقتل مذکور را نشان می‌دهد.

جدول (۱). بسامد گروه‌ها و طبقات در مقتل سرالأسرار

گروه‌ها	طبقات سپاهی	طبقات اجتماعی	گروه‌های شغلی	طوایف و قبایل	قومیت‌ها	گروه‌های دینی
فراوانی	۴۳۹ نمونه	۴۳۱ نمونه	۲۹۷ نمونه	۱۸۷ نمونه	۱۸۶ نمونه	۸۳ نمونه
بسامد	٪ ۲۷	٪ ۲۷	٪ ۱۸	٪ ۱۲	٪ ۱۱	٪ ۵

۴-۱-۳ مکان و محل

از آنجاکه مکان و محل نشان‌دهنده طبقه اجتماعی است با نشانه‌های هویت پیوند می‌خورد. «نظام‌های گوناگون و ... حتی ساختمان‌های مسکونی می‌توانند به عنوان موضوع مطالعات نشانه‌شناسی باشند» (ایبرمز و هرفم^۱، ۲۰۰۹: ۳۲۴). مکان‌ها (۳۵۸ نمونه) در مقتل مذکور ابتدا در دو دسته دنیوی و اخروی جای می‌گیرند. در مکان‌های دنیوی با سه نوع محل زندگی، محل عبادت و مکان‌های جغرافیایی روبه‌رو هستیم و در مکان‌های اخروی به بهشت و جهنم اشاره می‌شود.

در محل زندگی با مکان زیستن دو طبقه عامه و درباری روبه‌رو می‌شویم. از جمله منازل طبقات عامه که در بستر روایت به آن پرداخته می‌شود، منزل سلیمان بن صرَد است که مردم برای بیعت با امام حسین (ع) در آن جمع می‌شوند. «شیعیانی که در کوفه بودند، در خانه سلیمان بن صرَد خزاعی جمع شدند» (جلیلی کرمانشاهی، بی تا: ۹۰)؛ اما به کیفیت این منازل و جزئیات آنها اشاره‌ای نمی‌شود. در مقابل، منازل درباری با عنوان‌هایی نظیر قصر و دارالاماره می‌آید که گاه به جزئیات این مکان‌ها پرداخته می‌شود؛ برای نمونه، در توصیف قصر یزید گفته می‌شود: «به در بند اوّل رسیدم. دهلیز طولانی دیدم، در طرف راست دو دکه و در چپ مثل آن مفروش به دیباج سرخ و بر هر دکه صد حاجب، و در آن درب سیصد دربان. ... گذشتم تا به ششم رسیدم بر دکه‌های آن بساط لطیف‌تر از آنچه دیده بودم، از ابریشم دیدم» (همان: ۴۸۰). از متن روایت برمی‌آید که مکان زندگی حاکم و والیان با طبقات عامه جامعه اختلاف زیادی دارند که نشان از تفاوت آن‌ها در جایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز هست. محل عبادت از دیگر مکان‌هایی است که در مقتل مذکور نمود می‌یابد. این جایگاه‌ها به مسلمانان و سایر ادیان الهی اختصاص دارد که عبارت‌اند از: کعبه (همان: ۷۸)، مسجد (همان: ۴۲۰)، دیر (همان: ۴۴۵)، صومعه (همان: ۴۴۴)، کنیسه (همان: ۵۰۵) و معبد (همان: ۵۱۲). مکان‌های جغرافیایی از دیگر مصداق‌های مکان در مقتل مذکور به شمار می‌روند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: مکه، مدینه، کوفه، عراق، شام و کربلا (همان: ۴۵۰). در این میان، کربلا محل وقوع حادثه اصلی است. «این واقعه عالم‌سوز در کربلای پربلا واقع شود» (همان: ۱۳۹). در مقتل مذکور افزون‌بر مکان‌های دنیوی بنابه اعتقاد نویسنده به مکان‌های اخروی بارها اشاره می‌شود. این اشارات به جایگاه شخص در مکانی متناسب با اعمالش تکیه و تأکید داشته است؛ برای مثال، «اینک حوریان بهشت در انتظار تواند» (همان: ۲۵۰) یا در نمونه‌ای دیگر، «روح نحسش را به جهنم فرستاد» (همان: ۱۳۷).

جدول (۲). بسامد مکان‌ها در مقتل سرالأسرار

نام	مکان‌های اخروی	مکان‌های دنیوی	نام	محل زندگی	مکان‌های جغرافیایی	محل عبادت
فراوانی	۱۱۱	۲۴۷	فراوانی	۹۸	۸۳	۶۶
بسامد	۳۱٪	۶۹٪	بسامد	۳۹٪	۳۴٪	۲۷٪

۴-۱-۴ نشانه‌های ظاهری

پاره‌ای از نشانه‌ها نظیر «خال کوبی‌ها، آرایش‌ها و مدل‌های مو و غیره نیز نشان‌های رمز پرداخته‌شده در

جوامع بدوی هستند» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۱۸) که با هویت ارتباط دارند. ظهور این نشانه‌ها (۲۱۹ نمونه) در مقتل مذکور به چند صورت است: نشانه‌هایی که با جنگ پیوند می‌خورند، زیورآلاتی که جنبه جمال‌گرایی دارند و نیز می‌توان به نقش گیسوان در آداب ویژه و نشانه رمزپرداخته ادعیه اشاره کرد. در نشانه‌هایی که با جنگ پیوند خورده‌اند می‌توان به شمشیر، زره، تیرکمان، کله‌خود و زین اشاره کرد. «پس شمشیر و زره و آنچه با او بود ... و تیرکمان کنانه‌اش بر قریوس زین او نصب نمود» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۲۳۵). زیورآلات از دیگر نشانه‌هایی است که میان طبقات مختلف جامعه و با کاربردهای متفاوتی ظهور یافته‌اند. در میان طبقات درباری با اشکال کمربندهای مرصع زرّ غلامان مثل «شش غلام، قباهای دیباج در بر و کمربندهای مرصع زر در کمر» (همان: ۴۸۲) و تاج مکّال به انواع جواهر روبه‌رو هستیم. «دیدم یزید ملعون را بر تخت سلطنت نشسته و تاج مکّال به انواع جواهر بر سر نهاده» (همان: ۴۹۱).

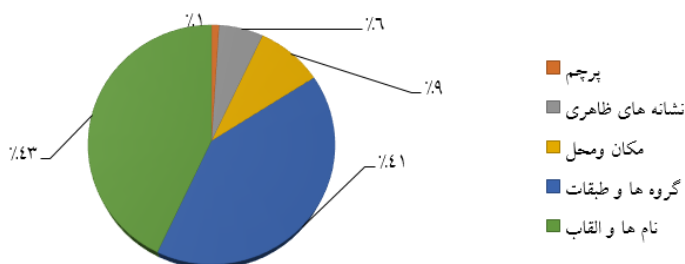
در طبقات عامه نیز به زیورآلاتی نظیر گوشواره، گردن‌بند و خلخال اشاره می‌شود. زیورآلات در طبقات درباری نشان‌دهنده شکوه اشرافیت و تجمل‌گرایی دنیاپرستانه است؛ اما در طبقه عامه نشان از میل به جمال‌گرایی است. البته همین زینت‌ها تا اندازه‌ای ارزش مادی نیز داشته است که غنیمت‌جنگی به شمار می‌رود. «گوشواره از گوش جناب امّ کلثوم بیرون کردند و خلخال از پای دختران می‌کشیدند» (همان: ۳۴۰). در سوگواری نیز لباس زینت و زیور را دور می‌اندازند. «بانگ نوحه و ندبه بر حضرت حسین (ع) بلند کردند و آنچه در برداشتند از لباس، زینت و زیور از خود انداختند» (همان: ۵۳۲) یا در عزاداری «زن‌های کوفه موهای خود را پریشان و مردان ریش‌های خود را می‌کنند» (همان: ۳۹۲). گاه در این میان نشانه‌ای رمزپرداخته نظیر ادعیه ظهور می‌یابد که به بازو بسته شده است؛ مثل «ادعیه در بازوی مبارکش» (همان: ۳۳۵).

۴-۱-۵ پرچم

سازمان‌بندی جامعه و روابط میان افراد و گروه‌ها شاخص‌هایی دارد؛ مثلاً «آرم‌ها، پرچم‌ها، توت‌ها و غیره بیانگر تعلق فرد به یک خانواده یا یک کلان هستند» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۱۷). پرچم (۲۳ نمونه) از این نشانه‌هاست که نزد اعراب جایگاه ویژه‌ای دارد و «یکی از منصب‌های مهم در بین اعراب منصب پرچم‌داری بوده است» (هادی‌منش، ۱۳۸۳: ۴۰). پرچم در مقتل مذکور با کاربردهای ویژه و عنوان‌های عَلم، رایت، لواء و بیرق می‌آید. گاه پرچم‌ها نشان سپاهانی است که مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند؛ برای نمونه، به پرچم سپاه اشاره می‌شود: «لواء احمد در دست او است» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۱۸۹). گاه

پرچم‌ها نشانه‌ی امان‌دادن است؛ مثل «رایت امانی برافرازد که هرکس دور آن جمع شود در امان است» (همان: ۱۰۷). گاه نشان پیروزی است؛ مانند «عَلَم‌ها را به جنبش درآوردند و شهرها را آیین بستند» (همان: ۴۳۲). در مواردی نیز پرچم نشانی از عزاداری است. «چون از دور نظرش بر عَلَم‌های سیاه افتاد، صیحه زد» (همان: ۵۵۹).

به‌طور کلی از میان نشانه‌های هویت، انتساب به نام پدر و نام قبیله جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ جامعه دارد و پرچم نیز از تعلقات جامعه است. عضویت در گروه‌ها و طبقات اجتماعی و شغلی به وضعیت اقتصادی و اخلاقی اشخاص بستگی دارد و مکان زندگی افراد نیز گویای جایگاه اجتماعی و وضعیت اقتصادی آن‌هاست. چگونگی بروز نشانه‌های ظاهری نیز متأثر از آداب اجتماعی و اوضاع اقتصادی و فرهنگی جامعه است. نمودار زیر بسامد نشانه‌های هویت در مقتل مذکور را نشان می‌دهد.



شکل (۱). نمودار بسامد نشانه‌های هویت در مقتل سرالأسرار

۴-۲ نشانه‌های آداب معاشرت

نشانه‌های هویتی نشان‌دهنده‌ی تعلق شخص به یک گروه یا انتسابش به کارکردی خاص است؛ از سوی دیگر، انسان‌ها با یکدیگر معاشرت دارند؛ از این رو، با شاخص‌های نشانه‌های آداب معاشرت روبه‌رو هستیم. نشانه‌های آداب معاشرت (۱۴۶۵ نمونه) از منظر گیرو عبارت‌اند از: توهین، لحن کلام، اطوارپژوهی، سلام و خداحافظی و فاصله‌پژوهی (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۰-۱۲۱).

۴-۲-۱ توهین

جلوه‌های معاشرت همواره سازنده نیستند و گاه کارکردی مخرب دارند؛ مثلاً «توهین: صورت منفی سلام و خداحافظی، و نشانه‌ای مبنی بر دشمنی است» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲). توهین یکی از برجسته‌ترین نشانه‌های آداب معاشرت (۸۳۶ نمونه) در مقتل مذکور است. این جلوه در بیشتر موارد سبک نوشتاری نویسنده مقتل است. نویسنده اعتقادات و خشم خود را در قالب ناسزا و صفات نامطلوب به شخصیت‌های معاند نشان می‌دهد. توهین گاه نشانی از اعتقاد اوست؛ مانند «چه بی‌حیایی‌هایی از آن

نانجیبان به ظهور رسیده است» (جلیلی کرمانشاهی، بی تا: ۳۱۳). گاه نشان از خشم نویسنده دارد؛ برای نمونه، تعبیری که برای مردن معاویه به کار می‌برد، چنین است: «دو سال قبل از درک واصل شدن آن ملعون، آن جناب قصد زیارت بیت‌الله نمود» (همان: ۶۸). توهین در بافت کلام شخصیت‌ها نسبت به یکدیگر هم ظهور می‌یابد. این جنبه بنا به تعصب دینی نویسنده اغلب در کلام شخصیت‌های حسینی نمود می‌یابد؛ برای نمونه، امام حسین (ع) خطاب به شمر فرمود: «ای پسر زنی که چراننده بز بود، تو اولایی به آتش» (همان: ۲۲۸). در مواردی هم نویسنده به توهین‌های دشمن نیز اشاره می‌کند؛ از جمله شخصی از نزدیکان یزید مثلی توهین‌آمیز بیان می‌کند: «با حاضرین مشورت نمود، ملعونی بی ادبانه در بیان مصلحت، به مثل معروف بین عرب تعبیر کرد و گفت: «لَا تَتَّخِذْ مِنْ كَلْبٍ سُوءَ جَرَوًا» از سگ بد، توله مگیر» (همان: ۵۰۲).

۴-۲-۲-۲-۲ لحن کلام

لحن کلام (۴۵۴ نمونه) یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آداب معاشرت است و لحن را «سازنده فضای کلام به شمار می‌آورند» (براهنی، ۱۳۶۲: ۳۲۵)؛ به بیان دیگر، لحن «عبارت از حالتی است که توسط گوینده به مخاطب القا می‌شود» (گری، ۱۳۸۲: ۳۳۱). از منظر گیرو، «لحن کلام یکی از عمومی‌ترین شیوه‌های بیان میان روابط فرستنده و گیرنده است. این لحن می‌تواند خودمانی، محترمانه، طنزآمیز، آمرانه، ملایم و غیره باشد» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲). لحن‌ها در مقتل مذکور به ترتیب بسامد عبارت‌اند از: آمرانه (۱۰۵ نمونه)، تمنایی (۸۲ نمونه)، تهدیدآمیز (۴۶ نمونه)، تفاخرانه (۳۶ نمونه)، محترمانه (۳۳ نمونه)، شکایت‌آمیز (۲۸ نمونه)، ملتمسانه (۲۳ نمونه)، انذار (۲۲ نمونه)، تمسخرآمیز (۲۰ نمونه)، ترغیب‌آمیز (۱۴ نمونه)، مشفقانه و نصیحت‌آمیز (۱۳ نمونه) تقابلی (۱۳ نمونه)، حسرت‌آمیز (۱۱ نمونه) و سرزنش‌آمیز (۸ نمونه).

لحن آمرانه، پرتکرارترین لحن است و بیشتر در کلام شخصیت‌های معاند کاربرد دارد؛ نظیر فرمانی که مروان به ولید می‌دهد: «الآن قبل از شیوع خبر آن‌ها را حاضر کن و امر بیعت را از برای یزید مستحکم کن» (جلیلی کرمانشاهی، بی تا: ۸۳). لحن تمنایی را بیشتر شخصیت‌های حسینی به کار می‌برند و به شکل دعا و نفرین است. دعا و تمنا «ممکن است مثبت (آفرین) یا منفی (نفرین) باشد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۳۷)؛ برای نمونه، امام حسین (ع) می‌فرماید: «خدا تو را از خوف و عطش قیامت ایمن و سیراب گرداند» (همان: ۹۸). در نمونه‌ای دیگر، امام حسین (ع) در حق عبدالله بن حسین می‌فرماید: «خدایا او را تشنه بکش و هرگز او را نیامرز» (همان: ۱۹۵).

لحن تهدیدآمیز را هم بیشتر در رجزخوانی‌های اشخاص می‌توان یافت؛ مثل «منم پسر کلبی، زود است که مرا نبینید و ببینید ضرب مرا» (همان: ۲۵۵). تفخر در کلام نیز گونه‌ای لحن یعنی **تفاخرانه** را ایجاد می‌کند که شخصیت‌های مختلف از آن بهره می‌برند؛ اما آنچه مایهٔ فخر افراد است، ناشی از جهان‌بینی آن‌هاست. برای نمونه، امام سجاد (ع) می‌فرماید: «هر که مرا شناسد، شناسد و هر که نشناسد، بداند منم علی بن‌الحسین بن‌علی بن‌ابی‌طالب (ع) ... منم فرزند آن که در راه خدا او را سر بریدند و همین فخر مرا بس است» (همان: ۳۹۲). این درحالی است که یکی از سپاهیان ابن زیاد برای کشتن امام حسین (ع) بر خود می‌نازد و می‌گوید: «کشتم کسی را که از جمیع مردم نجیب‌تر بود» (همان: ۴۹۲). گاه نویسنده و گاه صحابه برای امام حسین (ع) لحنی **محترمانه** به کار می‌برند؛ از جمله نویسنده می‌گوید: «از برای حضرت ختمی‌مآب، خداوند کریم مناسب دیده و مقتضای انتهای آن وجود مبارک در مقام عبودیت» (همان: ۴۲۶). شخصیت‌های مختلفی از مخرب و منفور تا نیک، گاه لحنی **نصیحت‌آمیز و مشفقانه** دارند؛ نظیر نصیحت معاویه به پسرش که می‌گوید: «ای فرزند من!... عبدالله بن عمر، اگر با او مدارا کنی با توست و از تو دست برنمی‌دارد» (همان: ۶۹). لحن **شکایت‌آمیز** را بیشتر زنان اهل‌بیت به کار می‌برند؛ برای مثال، «خدایا تو شاهی شکایت می‌کنم به‌سوی تو چه کار می‌کنند نسبت به پسر دختر پیغمبر تو» (همان: ۳۱۳).

لحن **ملتمسانه** را هم شخصیت‌های حسینی در میان خود به کار می‌برند؛ مثلاً ابی‌مخنف با لحنی تمنایی عرض کرد: «ای آقای من، مرخص فرما که به میدان روم» (همان: ۲۸۲). لحن **انذار** با انداز شخصیت‌های خیر به شر است؛ مانند «یا ابا عبدالرحمن از خدا بترس و یاری مرا ترک مکن» (همان: ۱۴۶). لحن **تمسخرآمیز** را شخصیت‌های معاند اغلب به کار می‌برند؛ از جمله یکی از لشکریان ابن زیاد با لحنی تمسخرآمیز دربارهٔ تشنگی امام (ع) می‌گوید: «تو دعوی می‌کنی که پدر تو ساقی کوثر است، صبر کن تا تو را آب دهد» (همان: ۳۲۷). لحن **ترغیب‌آمیز** نیز گونه‌ای از لحن است که جنبهٔ تشویقی دارد؛ برای نمونه، نویسنده مخاطب را با لحن ترغیب‌آمیز به تدبیر دعوت می‌کند: «بر تو باد به تدبیر کردن در خصوصیات اخبار مذکوره» (همان: ۴۱۷).

گاه کلام لحنی نصیحت‌آمیز می‌یابد؛ مانند «ای برادر! تو عزیزترین خلقی نزد من و تو را از همه کس دوست‌تر می‌دارم و بر من لازم است آنچه که خیر تو در آن بدانم، عرض کنم» (همان: ۷۵). لحن **تقابلی** نیز در تقابل شخصیت‌ها شکل می‌گیرد؛ برای مثال، «این قوم بنی عمّ تواند و ارادهٔ قتل تو ندارد، در امانی دست از جنگ بردار. آن جناب فرمود: امان از برای شما نیست ای دشمنان خدا و رسول او»

(همان: ۱۱۳). لحن حسرت‌آمیز را بیشتر شخصیت‌های حسینی به کار می‌برند؛ برای نمونه، حضرت زینب (س) حسرتش را چنین بیان می‌کند: «ای برادر و نور چشم، کاش موت مرا درمی‌یافت» (همان: ۱۷۹). لحن سرزنش‌آمیز از دیگر گونه‌های لحن و به قصد سرزنش است؛ نظیر سرزنش عالم یهودی، «آن عالم گفت: یا سبحان الله! پس این دختر پیغمبر شما است که به این زودی او را کشتید، بد رفتار نمودید بعد از پیغمبر خود با ذریه او» (همان: ۵۰۴). نمودار زیر بسامد انواع لحن‌ها را در مقتل سرالأسرار نشان می‌هد.

جدول (۳). بسامد لحن‌ها در مقتل سرالأسرار

لحن	آمرانه	تمنایی	تهدید‌آمیز	تفاخرانه	محترمانه	شکایت‌آمیز	ملتمسانه
فراوانی	٪۲۳	٪۱۸	٪۱۰	٪۸	٪۷	٪۶	٪۵
لحن	انذاری	تمسخرآمیز	ترغیب‌آمیز	مشفقانه	تقابلی	حسرت‌آمیز	سرزنش‌آمیز
فراوانی	٪۵	٪۵	٪۳	٪۳	٪۳	٪۲	٪۲

۴-۲-۳ اطوار پژوهی

اطوار پژوهی (۸۳ نمونه) از دیگر شاخص‌های آداب معاشرت است که در مقتل مذکور نمود می‌یابد. ارتباط میان افراد را نمی‌توان به گفتار و نوشتار محدود کرد و طیفی از نظام رفتارهای غیرکلامی (اطوار) را دربرمی‌گیرد (چایلی، ۱۳۸۴: ۶۹). اطوار پژوهی به معنای مطالعه حرکات است و عبارت است از: «تحلیل حالت‌های چهره، ایما، اشاره و رقص» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲). حالت‌های چهره و حرکات در مقتل مذکور عبارت‌اند از: خشم، غم، ترس، شادی و حرکات محبت‌آمیز. خشم به شکل شدید الغضب بودن، خشونت و بانگ‌زدن نمایان می‌شود؛ مثل «سر خود را به زمین زد و از غیظ دندان‌های خود را به هم می‌سایید» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۳۳۵).

حالت غم به صورت گریه و نوحه، گریبان و جامه دریدن، بر سر و روی لطمه‌زدن، مو پریشان کردن و سر و روی را با خون رنگین کردن نمود می‌یابد؛ مانند «گریبان چاک کرده و موها پریشان، بر روهای خود لطمه می‌زدند» (همان: ۳۸۵). در حالت‌های ترس و اضطراب نیز نمونه‌هایی وجود دارند؛ برای مثال، «از اضطراب و خوف انگشتان خود را گزید» (همان: ۴۸۵). حالت‌های شادی چون شوق و شمع، تبسم و خنده نمود می‌یابد؛ برای نمونه، «از شوق و شمع تبسم‌کنان روح مبارکش به شاخسار جنان پرواز نمود» (همان: ۲۷۸). باید به حرکات محبت‌آمیزی نظیر بوسیدن و نوازش کردن اشاره کرد؛ مثلاً «حسین را چون جان به سینه گرفت و شروع نمود به بوسیدن چشم‌های آن حضرت ...» (همان: ۷۳).

علامات، ایما و اشاره از دیگر مصداق‌های اطوارپژوهی است؛ نظیر «به اشاره، علامات (نشانه‌های راه) را به جناب مسلم فهماندند» (همان: ۹۳) و در نمونه‌ای دیگر، «با چوب‌دستی‌ای که در دست داشت، اشاره به محمدبن‌اشعث نمود که برخیز» (همان: ۱۱۱). رقص نیز از دیگر نمودهای اطوارپژوهی است که در مقتل مذکور هم مصداق‌هایی دارد. در چند نمونه به رقص و وجود رقاصان زن اشاره می‌شود که در دستگاه عیش و عشرت یزید جای دارند. در بدو ورود اسرای اهل‌بیت به شام یزدیان با زینت‌کردن شهر و پای‌کوبی سرور خود را نشان می‌دهند. «زن‌های بسیار دیدم با دف‌ها با رقص و طرب» (همان: ۴۵۳). این پای‌کوبی تنها در کوی و خیابان‌های شام نیست و در دربار هم عیش و عشرت برپاست. «آن ملعون بر مکان مرتفعی که مشرف بود بر بعضی از جاها نشسته بود، و در زیر آن مکان مغنیات دف‌زنان و رقص‌کنان مشغول بودند» (همان: ۴۸۴).

۴-۲-۴ سلام و خداحافظی

سلام و خداحافظی از دیگر شاخص‌های آداب معاشرت است و «وجهٔ مشخصهٔ آن‌ها این است که قراردادی‌اند و از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر تغییر می‌کند» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲). سلام و خداحافظی (۸۱ نمونه) آدابی رایج و مرسوم در مقتل مذکور است. درودفرستادن بیشتر بی‌واسطه و برای آغاز کلام است؛ نظیر «سلام کرده و جواب شنیدم» (همان: ۱۵۰) یا در آغاز نوشتار و نامه، مثل «از حسین‌بن‌علی است به سوی اخوان مؤمنین، سلام علیکم» (همان: ۱۵۶). گاه درودفرستادن با واسطه است؛ مانند سلام‌رساندن جبرئیل: «از ما به فاطمه (س) سلام برسان» (همان: ۷۷). گاه سلام‌کردن همراه با آداب ویژه‌ای است؛ نظیر سلام‌کردن غلامی ارادتمند به امام: «همه‌جا زمین ادب را می‌بوسید. ... سلام کرد» (همان: ۲۶۴).

این سنت تا آنجا مرسوم است که گاه حتی دشمنان هم در بدو ورود، بر امام حسین (ع) سلام می‌فرستند: «به آواز بلند گفت: السلام علیک یا بن بنت رسول‌الله» (همان: ۱۹۲). سنت درودفرستادن تنها در آغاز ارتباط ظهور نمی‌یابد؛ بلکه هنگام وداع نیز سلام فرستاده می‌شود؛ برای مثال، «فرمود: السلام علیک؛ از یکدیگر جدا شدیم» (همان: ۱۴۸)؛ اما جلوه‌هایی از خداحافظی به شکل وداعی محزون نمود می‌یابد: «آرام گیرید تا وداع کنم اطفال ذبح‌شدهٔ زمین کربلا را» (همان: ۳۵۲).

۴-۲-۵ فاصله‌پژوهی

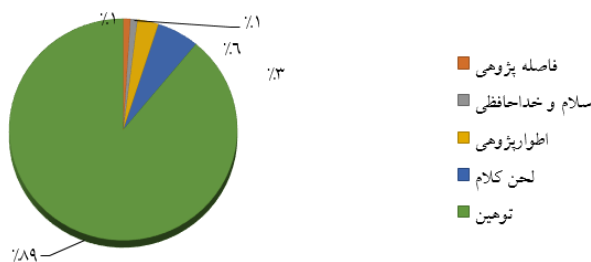
نزدیکی و دوری در معاشرت نیز خود یکی از مصداق‌های آداب مشارکت است و فاصله با مخاطب

نشانه تعبیر می‌شود (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲). آنچه در مقتل مذکور می‌تواند مصداقی برای فاصله‌پژوهی (۱۱) نمونه) باشد، نزدیکی فاصله‌های فیزیکی شخصیت‌های روایت به یکدیگر است. این نزدیکی از جنبه‌های مختلفی روی می‌دهد که به آن پرداخته می‌شود. گاه در نزدیکی جنبه عاطفی مدنظر است؛ نظیر «حسین (ع) را چون جان به سینه گرفت» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۷۲). گاه مقصود از نزدیکی نزاع و درگیری است؛ برای نمونه، «خواجه دست انداخت سر غلام را گرفت و به سوی خود کشید. غلام ریش او را چسبید» (همان: ۱۳۶).

گاه این نزدیکی با مقصود خطبه‌خوانی با جمعیتی محدود است؛ مانند خطبه عمرو بن الحجاج. «پس عمرو بن الحجاج ملعون در نزدیکی اصحاب امام (ع) با کسان خود می‌گفت: ای اهل کوفه بر طاعت امام خود محکم باشید» (همان: ۲۵۸). گاه نزدیک شدن به قصد رساندن پیغام خشم‌برانگیزی است که به دور کردن شخص منجر می‌شود؛ نظیر «چون نزدیک امام آمد، چشم مبارک گشود و فرمود: حیا نمی‌کنی، تو خود به قصد قتل من آمده‌ای. آن ملعون برگشت» (همان: ۱۲۰).

در میان آداب معاشرت، توهین و لحن کلام جایگاه ویژه‌ای دارند. اغلب، نویسنده عبارت‌های توهین‌آمیز را برای شخصیت‌های معاند به کار می‌برد که متأثر از باور، خشم و اندوه اوست. گاه شخصیت‌های حسینی نیز کلامی توهین‌آمیز دارند و بنابه تعصب نویسنده به ندرت توهین‌های شخصیت‌های یزیدی بیان شده است؛ درحالی‌که بیشتر شخصیت‌های معاند لحنی تمسخرآمیز دارند. در میان لحن‌های مختلفی که در کلام شخصیت‌ها بروز می‌یابد، لحن آمرانه و تمنایی از فضای استبدادی و ستمگرانه آن جامعه نشان دارد.

رفتارهای غیر کلامی به شکل اندوه، ترس و اضطراب احوال شخصیت‌های حسینی را نشان می‌دهند؛ درحالی‌که شخصیت‌های معاند شاد و مسرور هستند. سلام و خداحافظی نیز آدابی است که بیشتر در تعاملات اجتماعی شخصیت‌های حسینی نمود می‌یابد. نزدیکی و دوری در معاشرت نیز از روابط عاطفی یا دشمنی میان افراد ناشی می‌شود. نمودار زیر بسامد نشانه‌های آداب معاشرت را نشان می‌دهد.



شکل (۲). نمودار بسامد نشانه‌های آداب معاشرت در مقتل سرالأسرار

۴-۳ سرشت نشانه‌های اجتماعی

عوامل مختلفی در شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی مشارکت دارند. هرچند ارتباطات اجتماعی بی‌شمارند، می‌توان آن‌ها را در چهار نوع آیین‌ها، میثاق‌ها، مدها و بازی‌ها (۹۴۴ نمونه) جای داد (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۷). این نشانه‌ها در ادامه بررسی می‌شوند.

۴-۳-۱ آیین‌ها

یکی دیگر از نشانه‌های سرشت اجتماعی، آیین‌ها به شمار می‌روند و «آیین‌ها ارتباطات گروهی هستند» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۸). آیین‌ها (۴۹۹ نمونه) در مقتل مذکور به چند شکل بروز می‌یابند: آیین‌های دینی، آیین‌های دینی-اجتماعی، باورهای دینی و آیین‌های حماسی.

الف. آیین‌های دینی

آداب و اعمال دینی (۲۷۶ نمونه) از جلوه‌هایی آیینی در مقتل مذکور است که با دین پیوند می‌خورد. این آداب و اعمال عبارت‌اند از: عبادت و آداب نماز، اعمال حج، اعمال کفن و دفن، زیارت قبور و سایر اعمال دینی.

عبادت و نماز به ویژه نمازهای یومیه جایگاه ویژه‌ای دارند. اهمیت برپایی نماز تا آنجاست که سپاهیان امام در ظهر عاشورا با وجود شرایط دشوار جنگی به این آیین پایند هستند. «مهلتی بطلبید تا ما نماز کنیم» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۲۶۱). به پاره‌ای از آداب نماز چون وضو، اذان و اقامه نیز اشاره شده است؛ مانند «از برای تجدید وضو به صحن خانه درآمد» (همان: ۳۵۹) یا «بانگ به مؤذن زد که اقامه بگو» (همان: ۵۰۹). اعمال و آداب حج از دیگر نمودهای آیینی است؛ نظیر احرام مفرده، طواف و سایر اعمال حج، مثلاً «از اعمال حج خود فارغ شدیم» (همان: ۱۶۰).

آیین‌های خاک‌سپاری یکی دیگر از جلوه‌های آیینی در مقتل مذکور است. هرچند در مقتل به این اعمال اشاره می‌شود، شرایط حسینیان به گونه‌ای است که امام حسین (ع) به اصحاب خود فرمود: «وضو بسازید و غسل کنید و جامه‌های خود را بپوشید که کفن‌های شما باشد» (همان: ۲۱۴). نماز اموات و زیارت اهل قبور از دیگر آیین‌هایی است که با خاک‌سپاری پیوند می‌خورد. «بر او نماز کنند و او را دفن نمایند» (همان: ۳۶۰). در نمونه‌هایی گاهی به تعدادی از اعمال دینی اشاره می‌شود؛ نظیر گفتار جابر در زیارت قبر امام حسین (ع): «شهادت می‌دهم که نماز را برپا داشتید و زکوة دادید و امر به معروف و نهی از منکر کردید و جهاد نمودید با ملحدین و عبادت حق نمودید تا تحصیل یقین کردید» (همان:

. (۵۵۲)

ب. آیین‌های اجتماعی-دینی

پاره‌ای از آیین‌های دینی بیش‌ازپیش با اجتماع گره خورده است. از آن‌ها با عنوان آیین‌های دینی - اجتماعی (۱۰۴ نمونه) یاد می‌کنیم؛ نظیر خطبه‌خوانی، وصیت، نامه دعوت، حضور در مساجد و آیین‌های نصرانی.

خطبه‌خوانی در حضور مردم به قصد موعظه، انذار و آگاه‌سازی سنتی مرسوم است که در مسجد و مکان عمومی برگزار می‌شود. خطبه‌گویان برجسته در این مقتل عبارت‌اند از: امام حسین (ع)، امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س). حضور در مسجد برای برپایی نماز و شنیدن خطابه سنتی مرسوم است که هم حسینیان و هم یزیدیان از آن بهره می‌برند؛ مانند خطبه‌خوانی ابن زیاد: «به هر تقدیر آن ملعون در مسجد جامع کوفه که محل پیغامبران و ملائکه مقرب در گاه خداوند رحمان بر منبری که محل خواندن خطبه امیرالمؤمنان بود، برآمد» (جلیلی کرمانشاهی، بی تا: ۴۲۰).

نوشتن وصیت از دیگر سنت‌های اجتماعی مؤمنین است؛ برای نمونه، امام حسین (ع) پیش از آنکه عازم سفر شود، «دوات و کاغذ طلبید و وصیت‌نامه نوشت» (همان: ۷۵). دعوت به بیعت با نوشتن نامه یکی دیگر از سنت‌های اجتماعی برجسته در مقتل مذکور است. شیعیان به امام حسین (ع) عریضه می‌نویسند و خواستار بیعت با او می‌شوند: «نوشتند به خدمتش: این نامه‌ای است به سوی حسین بن علی بن ابی طالب از شیعیان او» (همان: ۹۱). در میان سنت‌های دینی-اجتماعی به دو سنت آیین نصرانی اشاره می‌شود: نخست آنکه برای ادای احترام ناقوس کلیسا را به صدا درمی‌آورند؛ «شروع به زدن ناقوس‌ها نمودند و رهبان ایشان از بیع که معبد ایشان است بیرون آمدند، به جهت احترام آن سر مطهر» (همان: ۴۳۱) و دیگر آیین طلب باران است؛ «بزرگ نصاری که او را جاثلیق گویند با نصاری به طلب باران رفتند» (همان: ۳۶۰).

ج. باورهای دینی

باورهای دینی (۷۵ نمونه) از دیگر نموده‌های آیینی در مقتل مذکور است که به معتقدات مذهبی اشاره دارد. ستایش خداوند نمودی از اعتقادات است که در مقتل مذکور ظهور می‌یابد؛ مانند «ثنا می‌کنم خدا را بهترین ثنا و حمد می‌کنم او را در حال سرور و گرفتاری» (جلیلی کرمانشاهی، بی تا: ۲۰۵). معتقدات دیگری در مقتل مذکور نمود می‌یابند؛ مثلاً کشتن امام حسین (ع) به مثابه هلاکت دین خوانده می‌شود.

ولید در پاسخ به دستگیری امام خطاب به مروان بن حکم می‌گوید: «از برای من اختیار داری آنچه را که هلاک دین من بود» (همان: ۷۶).

این سخنان از زبان دشمن امام حسین (ع) محل تأمل است. در معتقدات مذهبی اطاعت از امام واجب شمرده می‌شود؛ «چون امام آنچه کرد به اطاعت خدا و رسول او بود» (همان: ۱۴۰) و در بیانی دیگر، دین را محبت به اهل بیت می‌خوانند. «دینی نیست مگر محبت این‌ها» (همان: ۳۰۲)؛ زیرا «امام خلیفه‌الله فی الأرض است» (همان: ۳۳۸). در جایگاه احترام غیرمسلمانان به اهل بیت و بی‌اخلاقی پاره‌ای از مسلمانان می‌بینیم. «ای عجب از اینکه نصاری حرمت دین اسلام را منظور می‌دارند و جماعتی از این امت که خود را بر دین حضرت رسول می‌دانند، اولاد آن حضرت را می‌کشند و حرمش را اسیر می‌نمایند» (همان: ۴۶۱).

د. آیین‌های حماسی

سنت رجزخوانی پیش از جنگ (۴۴ نمونه) آیینی پرکاربرد در مقتل مذکور است که بیشتر در وصف رشادت‌های امام حسین (ع) و یارانش است؛ نظیر «حر بر ایشان حمله‌کنان می‌گفت: ... به شمشیر، گردن‌های شما را می‌زنم و حمایت می‌کنم بهترین اهل خیف» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۲۴۳). گاه نویسنده به شعرهای فخریه دشمن نیز اشاره دارد؛ مانند «نزد عبید زیاد بدبنیاد شعر فخریه می‌خواندند و می‌گفتند: ... ماییم که با اسبان تندرو پشت و سینه را ریزریز نمودیم.» (همان: ۳۴۳). آنچه تحسین مخاطب را برمی‌انگیزد، ادبیات سلحشورانه حسینیان است و آن چیزی را که دشمنان بیان می‌کنند، قساوت قلبشان را نشان می‌دهد. جدول زیر بسامد آیین‌ها در مقتل سرالأسرار را نشان می‌دهد.

جدول (۴). بسامد آیین‌ها در مقتل سرالأسرار

آیین‌ها	آیین‌های دینی	آیین‌های دینی-اجتماعی	باورهای دینی	آیین‌های حماسی
فراوانی	۲۷۶ نمونه	۱۰۴ نمونه	۷۵ نمونه	۴۴ نمونه
بسامد	۰.۵۵	۰.۲۱	۰.۱۵	۰.۰۹

۴-۳-۲ مدها

مد را این‌گونه تعریف می‌کنند: «میل شخص به یکسان بودن با یک گروه ممتاز اجتماعی منجر به اختیار کردن نشانه‌هایی می‌شود که به آن گروه اجتماعی تعلق دارد» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۳۰). مد با خوراک و پوشاک پیوندی ناگسستنی دارد. «مدها شیوه‌های خاص وجودی گروه‌ها از حیث خوراک، پوشاک و... هستند. (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۹). در ادامه دو شاخص خوراک و پوشاک (۳۱۷ نمونه) در مقتل مذکور

بررسی می‌شوند.

۴-۳-۲-۱ خوراک

خوراک (۱۳۳ نمونه) از دیگر نشانه‌هایی است که با سرشت اجتماعی افراد پیوند می‌خورد و «یکی از شیوه‌های مهم تعیین‌کننده هویت گروه‌ها و آداب رفتار است» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۵)؛ زیرا باید بین تغذیه به عنوان یک نیاز زیستی و خوردن به عنوان یک فعالیت فرهنگی-اجتماعی تمایز قائل شد (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

خوراک به دو صورت غذا و نوشیدنی‌ها در مقتل مذکور نمود می‌یابد. محوریت اصلی با موضوع آب و تشنگی است؛ برای نمونه، در برابر آب‌طلبیدن سپاه امام حسین (ع) سپاه ابن زیاد ممانعت می‌کنند. «آب طلبید. ابن زیاد ملعون منع از آب‌دادن کرد» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۱۳۵). خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های دیگری در میان طبقات اجتماعی مختلف نمود می‌یابد. خوردن شراب در میان طبقات بالای اجتماعی و صاحب‌منصبان جلوۀ بارزی دارد و در جای‌جای مقتل مذکور به فساد و شرب خمر یزد، ابن زیاد و... اشاره می‌شود. «شب را در آن باد بودند مشغول لهو و لعب و شرب خمر» (همان: ۴۳۶). این درحالی است که «اقسام مسکرات و انواع قمار در شرع نبوی حرام است» (همان: ۴۹۶).

درباره انواع خوراک در طبقه‌درباری جزئیاتی نمی‌آید و با عنوان کلی «طعام» یا «غذا» مطرح می‌شود (همان: ۴۰۰). درباره آداب غذاخوردن نمی‌توان از مقتل مذکور اطلاعات دقیقی به دست آورد و جزئیاتی در این زمینه نیامده است. در طبقات عامه نیز به صورت کلی از خوردنی‌ها با عنوان غذا یا طعام یاد می‌شود؛ اما در چند نمونه اسامی آن‌ها ذکر می‌شود که عبارت‌اند از: دو قرص نان جو و کوزه آب (همان: ۱۲۵)، آذوقه (همان: ۱۵۰)، خرما با مسکه (همان: ۳۷۰)، شیر (همان: ۳۷۰)، خرما، نان و جوز (همان: ۳۸۷) و دو قرص نان خشکیده (همان: ۵۲۹).

دشواری‌هایی که در زمینه تأمین خوردنی‌ها در مقتل مذکور باز می‌یابد، مربوط به شرایط دشوار است تا فقر. برای نمونه، در زندان غذای طفلان مسلم به این شرح است: «نان و آب را شخص زندانبان از برای ایشان آورد» (همان: ۱۲۵). در نمونه‌ای دیگر گفته می‌شود: «چون اهل کوفه ایشان را بدان حال مشاهده نمودند، بر ایشان ترحم نموده به کودکان ایشان خرما و نان و جوز می‌دادند» (همان: ۳۸۷). بحران اصلی نداشتن آب است. «حایل شو میان حسین و آب، می‌باید یک قطره از آن نچشد» (همان: ۱۹۴). در یک نمونه هم به طعام بهشتی اشاره می‌شود. «نشاندن شهدا و طعام بهشتی خوراندن، که بعضی از فقرات روایت مفضل بن عمرو است» (همان: ۳۴۶).

۴-۳-۲ پوشاک

نظام‌های نشانه‌ای متنوع و بسیاری وجود دارند؛ «از لباس‌هایی که می‌پوشیم تا غذاهایی که می‌خوریم. هر چیز موجود در جامعه از این نظر نشانه است» (آن، ۱۳۸۵: ۷۱). هنگامی که پوشاک فراتر از کارکرد فردی و رفع نیاز باشد، کارکرد اجتماعی می‌یابد و می‌تواند نشان‌دهنده ارزش‌ها و باورهای جامعه نیز به شمار آورد.

لباس (۱۸۴ نمونه) یکی از نشانه‌های مهم جایگاه اقتصادی و اجتماعی اشخاص است. در مقتل مذکور لباس‌ها را می‌توان براساس جنسیت به دو دسته مردانه و زنانه تقسیم کرد. در این بین، لباس‌های مردانه را باید در دو طبقه اشراف و عامه جای داد. لباس‌های طبقه اشراف ویژگی‌های مشترکی با طبقه عامه دارد؛ برای نمونه، لباس رزم، عمامه و ردا از لباس‌های مشترک میان طبقات درباری و عامه است (جلیلی کرمانشاهی، بی تا: ۶۴-۶۷). هرچند لباس‌هایی مشترک در دو طبقه درباری و عامه وجود دارد، در نمونه‌هایی به تفاخر و تجمل اشراف در پوشش خود و حتی غلامان‌شان اشاره می‌شود. برای مثال، در توصیف لباس شاهانه یزید آمده است: «یزید ملعون نمودار شد، با لباس‌های شاهانه، با بندهای باز، و ردای خود را که زیور کرده بودند، برسرکشیده، نعلین از طلا و بندهای نعل او با مروارید و مفتول‌های نقره بافته و آستر آن حریر» (همان: ۴۸۲). در توصیف لباس‌های عامه طبقه مردان گاه با عنوانی کلی به واژه‌های لباس (همان: ۳۶۲) و جامه (همان: ۴۶۳) اشاره می‌شود و گاه جزئیاتی از پوشش چون عمامه (همان: ۳۳۱)، ابای امام و عمامه رسول (همان: ۱۵۴)، ردا، زیرجامه، ازار، نعلین و... مطرح می‌شود. ساده‌زیستی شیوه پیامبران و امامان است؛ برای نمونه، جنس لباس حضرت موسی (ع) نیز پشمینه ذکر شده است (همان: ۵۴۳).

در پوشش زنانه، زنان طبقات درباری توصیف نمی‌شود؛ اما به توصیف زنان و دختران اهل بیت پرداخته می‌شود که جنبه اجتماعی-اعتقادی آن یعنی حجاب مطرح است؛ مانند جامه‌ای که بلندی آن بر زمین کشیده می‌شود (همان: ۱۷۹). معجز و ملحفه‌ای که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (همان: ۳۳۹) یا روبند و ساتر که برای پوشاندن صورت از آن استفاده می‌شود (همان: ۴۷۲). اهمیت پوشش تا آنجاست که زنان اهل بیت برای پوشاندن سر خود پس از تاراجشان، به دنبال جامه‌ای کهنه هستند که بر سر کنند (همان: ۳۴۰).

افزون بر توصیف لباس‌های مردان و زنان بخشی از این توصیف‌ها به آداب اجتماعی یا اعتقادات دینی باز می‌گردد؛ برای نمونه، در نشان‌دادن سوگواری رنگ سیاه به تن می‌کنند. «موهای خود را پریشان

نمود و لباس سیاه پوشیده» (همان: ۳۴۹). در این میان، گاه لباس‌ها نشان از شغلی ویژه دارند؛ نظیر لباس حُجّاب (حاجب‌ها) یا نشان از غیرمسلمان بودن شخص تا در میان مسلمانان با نشانی ظاهری تمیز داده شوند؛ مثل زَنار (همان: ۴۳۶). نویسنده نیز گاه با انتخاب کلمه لباس و جامه در جایگاه مشبّه‌به از این کلمه با رویکردی تشبیهی استفاده می‌کند؛ نظیر لباس ذُلت (همان: ۱۵۵).

۴-۳-۳ میثاق‌ها

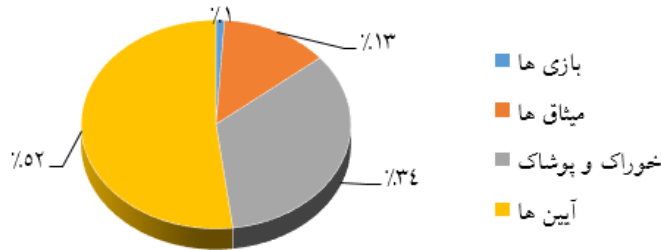
افراد جامعه، کنش‌ها، کارکردها و اهداف مختلفی دارند. گاه برای انجام هدفی مشخص به عهد و پیمان روی می‌آورند. «هنگامی که افراد به منظور انجام یک کنش مشترک گرد هم می‌آیند، روابط میان آن‌ها باید در چهارچوب دلالتی مشخص شده باشد» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۷)، بستن پیمان و وفای به آن از نشانه‌های آداب‌دانی افراد است. عهد و بیعت (۱۲۴ نمونه) از محوری‌ترین بن‌مایه‌های مقتل مذکور است که در حوزه میثاق می‌گنجد. بستن عهد و پیمان و پایبندی به آن، از ارزش‌های اخلاقی-دینی است که در مقتل مذکور جایگاه ویژه‌ای دارد. اهمیت پایبندی عهد تا آنجاست که امام حسین (ع) به عهدی که با معاویه بسته تا پایان عهد پایبند می‌ماند: «در میان من و او عهدیست که تکلیف من نقض آن عهد نیست» (همان: ۶۷). این در حالی است که هرگز به بیعت با یزید تن نمی‌دهد؛ زیرا امام پیمانی را که سرنکنند، نمی‌بندد: «اگر هیچ ملجأ و پناهی نیابم با یزید بیعت نخواهم کرد» (همان: ۷۵).

خیل کثیری از شیعیان با امام حسین (ع) بیعت می‌کنند (همان: ۹۱)؛ اما با ایجاد رعب و وحشت پیمان‌شکنی‌ها آغاز می‌شود. «اهل کوفه راه نفاق ناحق را پیش گرفته، مخالفین با یزید را به او می‌نمودند و هرکس را می‌آوردند، حکم می‌کرد او را به دار می‌کشیدند» (همان: ۹۹). پیمان‌شکنان بسیاری وجود دارند؛ اما معدودی هم با وفا هستند و بر سر پیمان می‌مانند؛ برای نمونه، «من عزم بر خدمت حضرت نمودم که جان خود را فدای او نمایم» (همان: ۱۵۹). از دیگر نمونه‌های برجسته پیمان‌داری در مقتل مذکور بیعت با زریر در خون‌خوانی امام حسین (ع) است: «صد و ده تن با او بیعت کردند و در روز جمعه در آن شهر خروج کردند و خطیب و داروغه شهر را بکشت» (همان: ۴۴۹).

۴-۳-۴ بازی

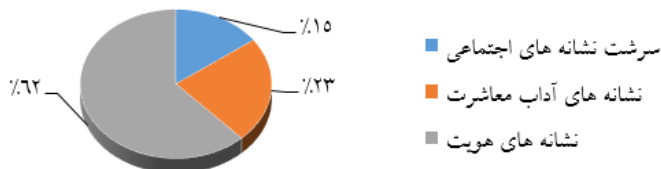
از دیگر نشانه‌های سرشت اجتماعی بازی‌ها هستند که در مقتل مذکور حضوری کم‌رنگ دارند. در واقع، بازی «تقلیدی است از واقعیت و به‌ویژه تقلیدی است از واقعیت اجتماعی» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۳۰). در مقتل مذکور با توجه به موضوع آن انتظاری برای ظهور بازی نمی‌رود. در طبقات عامه به هیچ‌یک از انواع

بازی اشاره نمی‌شود و تنها در ۴ نمونه به بازی شطرنج میان طبقات درباری پرداخته می‌شود: مثل «سفره شطرنج پهن نمودند. آن ملعون نشست به شطرنج‌بازی» (همان: ۴۹۵). در آن روزگار شطرنج جنبه قمار داشته است. «هرکس از شیعیان ما باشد باید بپرهیزد از ققاع و از لعب به شطرنج» (همان). نمودار زیر بسامد سرشت نشانه‌های اجتماعی در مقتل مذکور را نشان می‌دهد.



شکل (۳). نمودار بسامد سرشت نشانه‌های اجتماعی در مقتل سرالأسرار

سرشت نشانه‌های اجتماعی با میثاق‌ها، آیین‌ها، مدها و بازی‌ها فضای جامعه اموی را ترسیم می‌کنند. این رمزگان نشان می‌دهند که بی‌اخلاقی و نفاق مردم و فضای سیاسی مستبدانه سبب می‌شود که پیمان شکنی مرسوم باشد و خیل عظیمی به عهدشکنی با امام حسین (ع) روی می‌آورند. آیین‌های مختلفی نیز در مقتل مذکور نمود می‌یابند که اغلب نتیجه اعمال و اعتقادات دینی است و گاه برخاسته از سنت‌های اجتماعی و باورهای عرفی است. پوشاک می‌تواند ملاکی برای تمایز طبقات اجتماعی و اقتصادی باشد؛ در عین حال، به باورهای اعتقادی تکیه دارد. خوراک در مقتل مذکور شرایطی دشوار اجتماعی نظیر جنگ، اسارت و زندان را توصیف می‌کند تا اینکه ترسیم‌کننده فقر باشد. مرسوم بودن شرب خمر و زنان مُعَنّی و رقااص نشان دیگری از فساد دستگاه حاکم است. بازی نیز در طبقات درباری نمود می‌یابد که جنبه قمار داشته و نشان دیگری از فساد اخلاقی درباریان عصر اموی است. نمودار زیر نیز به‌طور کلی بسامد و فراوانی نشانه‌های اجتماعی را در مقتل سرالأسرار نشان می‌دهد.



شکل (۴). نمودار بسامد نشانه‌های اجتماعی در مقتل سرالأسرار

۵- نتیجه‌گیری

باوجود پژوهش‌های بسیار در حوزه نشانه‌شناسی، روایت‌های تاریخی جایگاهی نداشته‌اند. از این رو، در

این نوشتار روایت تاریخی مقتلی از خطه غرب با شاخص‌های نشانه‌شناسی اجتماعی گپرو بررسی شد. در یافتیم در مقتل سرالأسرار نشانه‌های بسیاری نمود یافته‌اند. از این ۶۳۱۹ نشانه، نشانه‌های هویت با ۶۲ درصد بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند و پس از آن، آداب معاشرت با بسامد ۲۳ درصد و سرشت نشانه‌های اجتماعی با بسامد ۱۵ درصد نمود یافته‌اند. تمامی زیربخش‌های نشانه‌شناسی پی‌یر گپرو در مقتل سرالأسرار بازتاب یافته‌اند و تنها توت‌م از زیرشاخه نشانه‌های هویت، نمودی ندارد. نویسندگان این مقتل برای بازتاب واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی واقعه عاشورا و عصر اموی توجه ویژه‌ای به نشانه‌های اجتماعی داشته‌اند. هریک از این نشانه‌ها به سهم خود واقعیت‌های اجتماعی را بازتاب می‌دهند. این نشانه‌ها توانسته‌اند جوانب روزمره زندگی نظیر شغل، خوراک و پوشاک را ترسیم کنند. درعین حال، سستی اندیشه، سطحی‌نگری، فاصله طبقاتی، ستمگری و ستم‌ستیزی، فساد درباری و... را نیز منعکس سازند.

در میان نشانه‌های هویت، انتساب به نام پدر و نام قبیله از جایگاه ویژه این موضوع در فرهنگ جامعه نشان دارد. عضویت در گروه‌ها و طبقات اجتماعی و شغلی با وضعیت اقتصادی و اخلاقی اشخاص ارتباطی مستقیم دارد. بسامد بالای توهین در آداب معاشرت، فضای تمسخرآمیز و توهین‌آمیز آن جامعه و خشم و اندوه نویسنده را ترسیم می‌کند. لحن آمرانه نیز فضای استبدادی و ستمگرانه جامعه را نشان می‌دهد که سبب می‌شود لحن‌های تمنایی و حسرت‌آمیز در شخصیت‌های ستم‌دیده بروز کند. رفتارهای غیرکلامی هم به شکل اندوه، ترس و اضطراب شخصیت‌های ستم‌دیده نمایان می‌شود. شاخص‌های سرشت نشانه‌های اجتماعی نیز بی‌اخلاقی و نفاق مردم و فضای مستبدانه‌ای را ترسیم می‌کنند که در آن عهدشکنی و خیانت مرسوم است. مؤلفه پوشاک، نشان‌دهنده باورهای دینی یا تمایزات طبقات اجتماعی و اقتصادی است. خوراک هم بیش از آنکه تصویرگر فقر جامعه باشد، شرایط‌های دشوار جنگی یا فساد اخلاقی درباریان را توصیف می‌کند.

منابع

- اکبری زاده، محسن (۱۴۰۱). تحلیل کارکردهای هویتی زبان در اشعار مدحی. *شعری پژوهی*، ۱۴(۱)، ۱-۲۱.
<https://doi.org/10.22099/jba.2021.39346.3943>
 اکو، امبرتو (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی*. مترجم: پیروز ایزدی. تهران: ثالث.
 آلن، گراهام (۱۳۸۵). رولان بارت. مترجم: پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز.
 براهنی، رضا (۱۳۶۲). *قصه‌نویسی*. چاپ اول. تهران: نشر نو.

پیرس، چارلز سندرز (۱۳۸۱). منطق به‌مثابه نشانه‌شناسی: نظریه نشانه‌ها. مترجم: فرزانه سجودی. زیباشناخت، ۶(۶)، ۵۱-۶۴.

جلیلی کرمانشاهی، شیخ عبدالرحیم؛ جلیلی کرمانشاهی، محمدهادی (بی‌تا). سرالأسرار مصیبه‌آبی الأئمة الأطهار (ع)، تصحیح، تحشیه و تعلیقه محمد ابراهیم مالیمیر و محمدعلی مرادی کارخانه. کرمانشاه: مؤسسه شیفتگان کمال.

جوادی، سارا؛ جهان‌بخت، لیلی؛ شعبانی، امید (۱۴۰۰). باز نمود نشانه‌های هویت اسلامی در رمان الرجل الّذی آمنَ بر پایه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۱۳(۱)، ۲۰۷-۲۲۹.
<https://doi.org/10.22059/JSAL.2021.318261.665976>

چاپلی، صمد (۱۳۸۴). هویت و زیان. تبریز: اختر.

ریکور، پل (۱۳۸۶). زندگی در دنیای متن: شش گفت‌وگو، یک بحث. مترجم: بابک احمدی. تهران: نشر مرکز.
زوارقی، رسول؛ وثوق‌زاده، فرشته؛ عطاپور، هاشم (۱۴۰۰). بررسی و ارزیابی کتاب‌های مصور کودک مرتبط با ائمه معصومین و شخصیت‌های مذهبی براساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲۴(۹۵)، ۱۱۳-۱۳۷.
<https://doi.org/10.30481/LIS.2019.187408.1584>

سبحانی، جعفر (۱۴۲۲). موسوعة طبقات الفقهاء. اللجنة العلمية في مؤسسة الإمام الصادق (ع). الطبعة الأولى، قم، مؤسسة الإمام الصادق (ع).

سپهری، محمد (۱۳۸۵). طبقات اجتماعی در عصر امویان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۲(۱۸۰)، ۷۵-۹۴.
سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی: نظریه و عمل. تهران: نشر علم.

سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸). دوره زبان‌شناسی عمومی. مترجم: کورش صفوی. تهران: هرمس.
شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). بیان. تهران: میترا.

کوئن، بروس (۱۳۸۸). درآمدی بر جامعه‌شناختی. مترجم: محسن ثلاثی. تهران: توتیا.
گری، مارتین (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی. مترجم: منصوره شریف‌زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مکاریک، ایرناریما (۱۳۹۰). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر. چاپ چهارم. مترجم: مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگاه.

نظری طرهان، لیلا؛ صابری، کورش (۱۳۹۶). بررسی نشانه‌شناختی تصاویر کتاب کودک براساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی: مطالعه موردی کتاب فارسی پایه اول دبستان. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۵(۱۹)، ۱۱۹-۱۴۰.

نظری، علی؛ خلیلی، پروین؛ باوان‌پوری، مسعود (۱۳۹۸). بررسی فرایند نشانه‌شناسی اجتماعی در نهج البلاغه با

تکیه بر هویت و آداب معاشرت. پژوهش‌نامه علوی، ۱۰(۱)، ۲۱۵-۲۳۷. <https://doi.org/10.30465/alavi.2019.4260>

نقاب‌ی، عفت؛ اکبری، مهناز (۱۳۹۹). تحلیل اجتماعی فرهنگی سفرنامه حاج سیاح بر پایه نظریه نشانه‌شناسی بی‌یر گیرو. *زبان و ادبیات فارسی*، ۲۸(۸۸)، ۳۰۳-۳۲۳. <https://doi.org/10.29252/jpll.28.88.303>

هادی‌منش، ابوالفضل (۱۳۸۳). پرچم و پرچم‌داری از جاهلیت تا عاشورا. *مبلغان*، ۶(۶۳)، ۳۹-۵۵.

References

- Abrams, M. H., & Harpham, G. (2009). *A Glossary of literary terms*. Boston: Wadsworth Cengage Learning.
- Akbarizadeh, M. (2021). Analysis of identity functions of language in praise poems. *Poetry Study*, 14(1), 1-21 (In Persian). <https://doi.org/10.22099/jba.2021.39346>. 3943
- Allen, G. (2006). *Roland Barthes* (P. Yazdanjo, Trans.). Tehran: Nashere Markaz (In Persian).
- Braheni, R. (1938). *Story writing* (1st printing). Tehran: Nashre Now (In Persian).
- Chaili, S. (2005). *Identity and language* (1st ed.). Tabriz: Akhtar (In Persian).
- Saussure, F. de (1999). *General linguistics course* (K. Safavi, Trans.). Tehran: Hermes (In Persian).
- Eagleton, T. (1996). *Literary theory: An introduction* (2nd ed.). Oxford: Blackwell Publishing.
- Eco, U. (2008). *Semiotics* (P. Izaidi, Trans.). Tehran: Sales (In Persian).
- Gary (2003). *Dictionary of literary terms* (M. Sharifzadeh, Trans.). Tehran: Research Institute of Humanities & Cultural Studies. (In Persian).
- Giro, P. (1392). *Semiotics* (M. Nabavi, Trans.). Tehran: Aghah.
- Hadi Manesh, A. (2004). Flags & flags from Jahilit to Ashura. *Mobaleghan*, 6(63), 39-55 (In Persian).
- Jalili Kermanshahi, A. A., & Jalili Kermanshahi, M. H. (n.d.). *Ser al-Asrar Fi Misibah Abi al-Imam al-Athar (AS)*. Kermanshah: Shiftegan Kamal Institute (In Persian).
- Javadi, S., Jahan Bakhat, L., & Sha'abani, O. (2021). Representation of the signs of Islamic identity in the novel al-Rajjol al-Dhi Aman based on social semiotics of Pierre Giraud. *Sociology of art & literature*, 13(1), 207-229 (In Persian). <https://doi.org/10.22059/JSAL.2021.318261.665976>
- Koen, B. (2009). *An introduction to sociology* (M. Salasi, Trans.). Tehran: Totia (In Persian).
- Makarik (2013). *Encyclopedia of contemporary literary theories* (M. Mohajer & M. Nabavi, Trans.). Tehran: Aghah (In Persian).
- Naqabi, E., & Akbari, M. (2020). Socio-cultural analysis of Haj Sayyah's travelogue based on Pierre Girau's theory of semiotics. *Persian Language & Literature*, 28(88), 303-323 (In Persian). <https://doi.org/10.29252/jpll.28.88.303>
- Nazari, A., Khalili, P., & Bavan Pouri, M. (2019). Investigating the process of social semiotics in Nahj al-Balagheh based on identity & etiquette. *Alavi research paper*, 10(1), 215-237 (In Persian). <https://doi.org/10.30465/alavi.2019.4260>
- Nazari Tarhan, L., & Sabri, K. (2017). Semiotic analysis of children's book images based

- on social semiotics approach: A case study of the first grade Persian book. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 5(19), 119-140 (In Persian).
- Pierce, C. S. (2002). Logic as semiotics: The theory of signs (F. Sojodi, Trans.). *Aesthetics*, 4(6), 51-64 (In Persian).
- Ricoeur, P. (2007). *Life in the world of text: Six conversations, one discussion*. Translated by BaBak Ahmadi. Tehran: Tehran: Markaz (In Persian).
- Sepehri, Mohammad (2006). Social classes in the Umayy period. *Faculty of Literature & Human Sciences*, 12(180), 75-94 (In Persian).
- Shamisa, S. (2004). *Expression*. Tehran: Mitra (In Persian).
- Sojodi (2009). *Semiotics: theory & practice*. Tehran: Nashre Elm. (In Persian).
- Subhany, J. (2001). *mawsueat tabaqat alfuqaha'*. allajnat aleilmiat fi muasasat al'iimam alsaadiq. altabeat al'uwlaa, qim, muasasat al'iimam alsaadiq (In Persian).
- Zavarghi, R., Vosough Zade, F., & Atapour, H. (2021). Review & evaluation of children's picture books related to the Imams of the Innocents & religious figures based on the social semiotics approach. *Librarianship & information*, 24(95), 113-137 (In Persian). <https://doi.org/10.30481/LIS.2019.187408.1584>